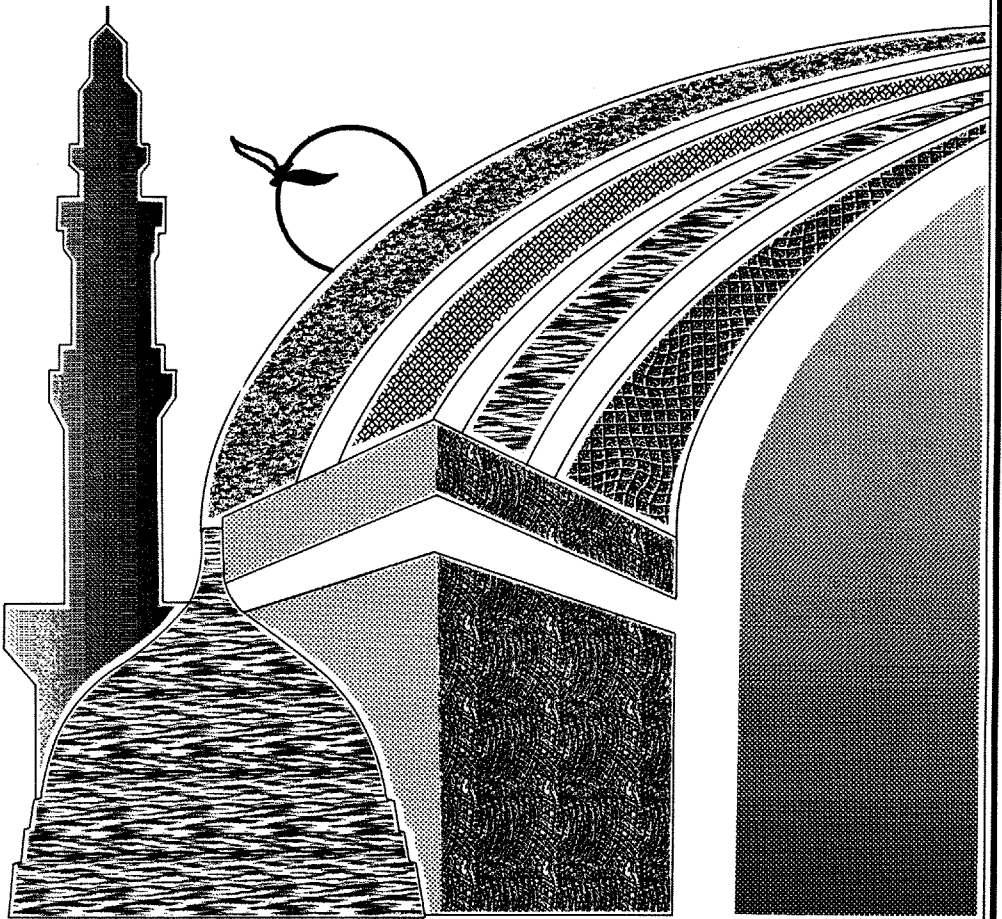
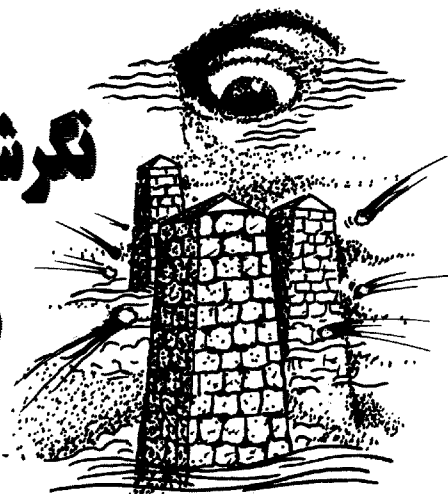


# فجر صبح



# نگرشی تازه به رمی جمرات



مهدی مهریزی

یکی از واجبات حج، در روزهای اقامت حاجیان در منا، سنگ زدن به سه ستون ویژه است، که در اصطلاح فقهی، به آن «رمی جمار» گویند. امروزه با ازدحام و انبوهی حاجیان در ایام حج، انجام این عمل با مشکلات بزرگی روبرو است، به طوری که در موارد بسیاری، حتی آسیب‌های جسمانی به دنبال دارد!

طرح توسعه محل رمی و پیرامون آن، گرچه بخشی از مشکلات را برطرف ساخته، لیکن انجام این وظیفه عبادی همچنان مشکلاتی به همراه دارد و دشواری آن به ویژه برای حاجیان شیعه افزون‌تر است؛ چراکه از ظاهر فتوای فقیهان شیعه، استفاده می‌شود که برخورد و اصابت سنگ به معلّم و نشانه شرط است و پرتاب سنگ و افتادن آن در کنار نشانه‌ها و ستونها کافی نیست. گفتنی است که در این نوشتار بحثی فقهی دربارهٔ مسأله اصابت سنگ‌ها به ستونها صورت می‌پذیرد و به این پرسش که: «آیا اصابت و برخورد سنگ‌ها به نشانه لازم است؟ یا این‌که پرتاب سنگ به طرف نشانه‌ها و افتادن سنگ در اطراف آن کفایت می‌کند؟» پاسخ داده می‌شود.

مدعای این مقاله آن است که: در رمی اصابت به نشانه‌ها لازم نیست بلکه آنچه شرط است، پرتاب سنگ به طرف نشانه‌ها و قرار گرفتن سنگ بر اطراف آن‌ها است و نباید سنگ‌ها از این دایره خارج گردد.



بررسی مباحث مربوط به این موضوع، در دو بخش صورت می‌گیرد: ابتدا نظریه طرفداران اصابت به نشانه‌ها و تبیین مستندات آنها بازگو می‌شود و آنگاه مدعای این مقاله شرح داده شده، به شواهد و مستندات آن پرداخته می‌شود:

### نخست: نظریه اصابت به نشانه‌ها

طرفداران این نظریه بر این باورند که باید سنگ‌ها به سمت جمره پرتاب شود و به بنای مخصوص یا محل آن اصابت کند، اگر به بنا یا محل آن - در صورت نبود بنا - اصابت نکند، رمی انجام نشده است.

برای اثبات این رای، به دو دلیل استناد می‌کنند:

۱ - اگر اصابت نکند رمی صادق نیست، بدین معنا که اصابت مقوم رمی است و بدون

آن تکلیف امتثال نمی‌شود.<sup>۱</sup>

۲ - استناد به صحیحہ معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام.<sup>۲</sup>

«وَأَنْ رَمَيْتَ بِحِصَاةٍ فَوْقَ عَثْفٍ فِي مَحْمِلٍ فَأَعِدْ مَكَانَهَا، فَإِنْ هِيَ أَصَابَتْ أَنْسَانًا أَوْ جَمَلًا ثُمَّ وَقَعَتْ عَلَى الْجَمَارِ أَجْزَاكَ».<sup>۳</sup>

«اگر سنگی پرتاب کردی و در محملی قرار گرفت، دوباره سنگی دیگر پرتاب کن و اگر به انسان یا شتری اصابت کرد اما پس از آن بر جمار قرار گرفت کفایت می‌کند.»

نکته‌ای که در تبیین این نظریه باید روشن شود، این است که: «جمره» به چه معناست و

بر کجا اطلاق می‌شود؟ گفتنی است این امر در بسیاری از کتب فقهی مسکوت مانده است.

شهید اول معتقد است که: جمره، بنای مخصوص یا محل و جایگاه آن است، آنجا که

ریگ‌ها جمع می‌شود:

«وَالْجَمْرَةُ اسْمٌ لِمَوْضِعِ الرَّمِيِّ وَهُوَ الْبِنَاءُ أَوْ مَوْضِعُهُ مِمَّا يَجْتَمِعُ مِنَ الْحَصَى، وَقِيلَ هِيَ مَجْتَمِعُ الْحَصَى لَا السَّائِلِ مِنْهُ وَصَرَّحَ عَلِيُّ بْنُ بَابُوِيَه بِأَنَّهُ الْأَرْضُ».<sup>۴</sup>

محل گرد آمدن ریگ‌ها است نه آنچه از آن برآمده.»

علی بن بابویه تصریح کرده است که جمره «زمین» است.

اما فاضل هندی در کشف اللثام بر این عقیده است که جمره نام بنای مخصوص (ستون) است و اگر بنا و ستون نباشد، بر محل آن جمره گویند:

«و يجب اصابة الجمره بها، فلا يكفي الوقوع دونها، و هي الميل المبني أو موضعه إن لم يكن».<sup>۵</sup>

«واجب است ریگ به جمره اصابت کند و افتادن در کنار آن کافی نیست و جمره عبارت است از بنای مخصوص یا جای آن، اگر بنا نباشد.»

نویسنده مدارک الأحكام رأی کشف اللثام را تأیید می‌کند و می‌گوید: باید سنگ‌ها به بنا اصابت کند و اگر بنا وجود نداشت، اصابت به محل آن کافی است:

«و ينبغي القطع باعتبار اصابة البناء مع وجوده لأنه المعروف الآن من لفظ الجمره و لعدم تيقن الخروج من العهده بدونه اما مع زواله فالظاهر الاكتفاء بإصابة موضعه».<sup>۶</sup>

«سزاوار است قطع پیدا کنیم که برخورد ریگ‌ها به بنا لازم است؛ زیرا امروزه همین مطلب شناخته شده و معروف از واژه «جمره» است. و بدون آن یقین حاصل نمی‌شود که تکلیف امتثال گشته است. آری اگر بنا نباشد می‌توان بر حسب ظاهر به اصابت ریگ به محل جمره اکتفا کرد.»

صاحب جواهر پس از نقل این دو رأی و نظریه، نظر شهید را ترجیح داده، می‌نویسد:

«...و اليه يرجع ما سمعته من الدروس و كشف اللثام إلا أنه لا تقيد في الأول بالزوال و لعلّه الوجه لاستبعاد توقف الصدق عليه و يمكن كون المراد بالمحل بأحواله التي منها الارتفاع ببناء أو غيره أو الانخفاض».<sup>۷</sup>

«آنچه از دروس و کشف اللثام نقل شد به آنچه ما گفتیم اشارت دارد، البته در دروس اصابت به محل منوط و مشروط به نبودن بنا نیست و همین نظر پسندیده است؛ چرا که بعید می‌نماید صدق رمی متوقف بر اصابت به بنا باشد.»

گفتنی است که احتمال دارد مراد از جمره محل و حوالی آن باشد از بنا گرفته تا پستی‌های اطراف.»

از اینها معلوم می‌شود که دلیل شرعی یا تاریخی بر تعیین مراد از جمره در دست نیست،



روشن نیست که آیا:

- مراد از «جمره» بنا و نشانه‌هایی است که امروزه به چشم می‌خورد؟
  - بنا و محل آن - هر دو - را جمره گویند؟
  - وسعت آن تا چه مقدار و اندازه است؟ - آیا مقداری که امروزه دیده می‌شود توسط پیامبر و ائمه علیهم‌السلام تعیین شده یا اینکه به مرور زمان توسعه یافته است؟
  - اگر وضع شرعی ندارد، چرا نتوان بیش از این توسعه داد؟
  - و بالاخره قطر نشانه‌ها تا چه اندازه می‌تواند باشد؟ آیا تعیین شرعی دارد؟
- روشن است که هیچ یک از این پرسشها در نصوص، مورد تعیین و تأیید قرار نگرفته است؛ از این رو فقیهان نیز به سکوت از آن گذشته یا سخنانی مجمل و بی‌سند در تفسیر آن ارائه کرده‌اند.

### دوم: نظریهٔ عدم تعیین اصابت به نشانه‌ها

به نظر ما برای امتثال تکلیف رمی، باید سنگ با قصد به طرف محل پرتاب شود و در نهایت به معلم‌ها اصابت کند یا بر زمین اطراف معلم قرار گیرد و بیش از این برای امتثال لازم نیست؛ به تعبیر دیگر چند امر باید تحقق یابد:

۱ - قصد

۲ - پرتاب، یا آنچه در عربی بدان قذف و القا گفته می‌شد.

۳ - وقوع سنگ بر زمین اطراف معلم و نشانه، یا اصابت به نشانه‌ها.

امر اول و دوم از معنای رمی به دست می‌آید؛ زیرا در لغت، رمی را چنین معنا کرده‌اند:

«رَمَى الشَّيْءَ رَمِيًّا؛ أَلْقَاهُ».<sup>۸</sup>

«رمی کرد؛ یعنی افکند.»

در این معنا «قصد و افکندن» نهفته است، از این روی انداختن بدون توجه و از سر غفلت را رمی نمی‌گویند، چنانچه گذاشتن سنگ و ریگ را نیز رمی نخوانند.

امر سوم از احادیث و روایات به دست می‌آید:

۱ - محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن أبیه و محمد بن اسماعیل،

عن فضل بن شاذان، عن صفوان، عن معاوية بن عمار، عن أبي عبد الله عليه السلام... قال: «وإن رميت بحصاة فوقعت في محمل فأعد مكانها فان هي أصابت انساناً أو جملاً ثم وقعت على الجمار أجزأك».<sup>۹</sup>

امام صادق: در ضمن حدیثی فرمود: «اگر ریگی پرتاب کردی و در محملی قرار گرفت، ریگی دیگر پرتاب کن و اگر به انسان یا شتری اصابت کرد اما پس از آن بر جمار قرار گرفت، کفایت می‌کند.»

۲ - فقه الرضا: «فان رميت و رفعت في محمل وانحدرت منه الى الأرض اجزأت عنك و إن بقيت في المحمل لم يجز عنك و ارم مكانها اخرى».<sup>۱۰</sup>  
در فقه الرضا آمده است: «اگر سنگی پرتاب کردی و بر محملی برخورد و از آن کمانه کرد و بر زمین افتاد کفایت می‌کند، اما اگر در محمل قرار گرفت مجزی نیست و سنگی دیگر به جای آن پرتاب کن.»

۳ - فقه الرضا: «و إن رميت بها فرفعت في محمل أعد مكانها و ان اصاب انساناً ثم و جملاً ثم وقعت على الأرض أجزأه».<sup>۱۱</sup>  
در فقه الرضا آمده است: «اگر سنگریزه‌ای پرتاب کردی و در محملی قرار گرفت، به جای آن سنگی دیگر پرتاب کن و اگر به انسان یا شتری که در محل است اصابت کرد ولی بر زمین افتاد کفایت می‌کند.»

۴ - محمد بن یعقوب عن عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن أحمد بن محمد، عن عبد الكريم بن عمرو، عن عبد الأعلى، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «قلت له: رجل رمى الجمره بست حصيات و وقعت واحدة في الحصى قال يعيدها إن شاء من ساعته و ان شاء من الغد اذا أراد الرمي و لا يأخذ من حصى الجمار قال و سألته عن رجل رمى جمره العقبة بست حصيات و وقعت واحدة في المحمل قال يعيدها».<sup>۱۲</sup>

عبدالاعلی می‌گوید: «به امام صادق عليه السلام عرضه داشتم مردی با شش ریگ جمره را رمی کرد و یکی از ریگ‌ها در سنگ‌ها افتاد (ظاهراً محلی جدای از جمره منظور است یا ریگ دورتر از محل جمره) امام صادق فرمود: دوباره پرتاب کند، در همان لحظه یا در وقتی دیگر، و از سنگ جمره‌ها برای رمی استفاده نکند.»

عبدالاعلی می‌گوید: پرسیدم مردی جمره عقبه را با شش ریگ رمی کرد و ریگ هفتم در محملی قرار گرفت (وظیفه‌اش چیست؟) گفت: دوباره پرتاب کند.»



در این احادیث آنچه مانع به شمار آمده، آن است که سنگ‌ها بر زمین قرار نگیرد، بلکه بر روی انسان، حیوان، محمل و یا محلّ جدای از مکان جمره قرار گیرد. بنابراین، اگر سنگ‌ها بر زمینی که آن را جمره گویند واقع شود، تکلیف امثال شده است. و چنانکه در پایان بخش نخست بیان شد، هیچ دلیل شرعی یا تاریخی بر لزوم وجود مَعْلَم و نشانه در دست نیست البته منعی هم در بودنش وجود ندارد و لیکن امثال تکلیف دایر مدار برخورد به این نشانه‌ها نیست، نشانه‌هایی که امروزه نصب شده است.

برای روشن شدن بیشتر این رأی، به شواهدی که از لابلای نصوص دینی و فتاوی فقها استخراج شده، اشاره می‌کنیم:

۱ - معنای عرفی و لغوی رمی، همانگونه که بدان اشارت رفت، پرتاب با قصد است. در معنای آن اصابت به مَرْمی ملحوظ نیست، از این رو صحیح است به نحو حقیقت گفته شود: رَمَاهُ قَلَمٌ يُعْصَب.

بر این پایه کسانی که - مانند آیه الله خویی رحمته الله علیه - از معنای رمی «اصابت» را استخراج کرده‌اند، قابل دفاع نیست، بلی بر پایه روایات ذکر شده، وقوع و افتادن بر زمین شرط شده است اما دلیل شرعی به فراتر از آن دلالت ندارد.

۲ - جمره معنای شرعی ندارد و در هیچ نصی معنا نشده است تا به استناد آن بتوان تعیین مراد کرد، و معنای آن در کتب لغت چنین آمده است:

«كَلٌّ شَيْءٌ جَمَعْتَهُ فَقَدْ جَمَرْتَهُ وَ مِنْهُ الْجَمْرَةُ وَ هِيَ مَجْتَمَعُ الْحَصَى بَمْنَى فَكَلٌّ كَوْمَةٌ مِنَ الْحَصَى جَمْرَةٌ وَ جَمْرَاتٌ مَنَى ثَلَاثٌ بَيْنَ كَلِّ جَمْرَتَيْنِ نَحْوَ غَلْوَةِ سَهْمٍ».<sup>۱۳</sup>

«هر چه را که جمع کردی می‌گویند جمر کردی و از همین ماده جمره مشتق است و معنای آن محل جمع شدن ریگ‌ها در منا است. از این رو به هر توده از ریگ‌ها، جمره گویند. جمرات منا سه تا است و فاصله هر جمره با جمره دیگر یک پنجم کیلومتر می‌باشد.»

«وَالْجَمْرَةُ وَاحِدَةٌ جَمْرَاتِ الْمَنَاسِكِ وَ هِيَ ثَلَاثُ جَمْرَاتٍ يَرْمِيَنَّ بِالْحِجَارِ وَ الْجَمْرَةُ الْحِصَاةُ.»

«جمره مفرد جمراتِ مناسک حج است. جمرات حج سه تا است که با سنگ‌ریزه‌ها

رمی می‌شوند. جمره به معنای ریگ ریز نیز می‌باشد.»

از این رو جمره نام محل است و در معنای آن بنای مخصوص یا معلم و نشانه مأخوذ نیست بلکه به روایات نیز می‌توان استشهد کرد که جمره نام محل است، زیرا چنین تعبیر شده است:

### «وقعت علی الأرض»

«اگر سنگ بر زمین قرار گرفت، رمی انجام شده است.»

از این رو معلّم و نشانه، آن گونه که امروز مشاهده شود، سابقه‌ای ندارد و اگر برآمدگی بوده در حد جمع شدن ریگ‌ها است نه بیش از آن.

بنابراین ملاک رمی وقوع سنگ بر زمین است که آن را جمره گویند و اگر برآمدگی دارد، افتادن بر آن، یا برخورد بدن یا بر اطراف آن مجزی خواهد بود.

۳ - در روایت‌ها به ویژه صحیحہ معاویة بن عمار حرف «علی» به کار رفته که معنای استعلا و افتادن از بالا به پایین در آن نهفته است؛ «ثم وقعت علی الجمار، وانحدرت منه علی الأرض، وقعت علی الأرض».

جالب توجه است که در صحیحہ معاویة بن عمار سه صورت فرض شده که هر یک با تعبیری ویژه بیان گردیده است:

۱ - فَوَقَعْتُ فِي مَحْمَلٍ.

۲ - أَصَابْتُ إِنْسَانًا أَوْ جَمَلًا.

۳ - وَقَعْتُ عَلَى الْجَمَارِ.

نسبت به محمل که حالت ظرف دارد «فی» استعمال شده است. در مورد انسان و شتر که حالت عمودی دارد «اصابه» بدون حرف تعدیه به کار رفته و نسبت به زمین (به تعبیر دیگر جمار) از «علی» استفاده شده است.

اگر آنچه که امروزه به صورت نشانه و معلم نصب شده، ملاک اصابت بود، نمی‌بایست از واژه «علی» استفاده گردد.

بنابراین اصابت سنگ‌ها به نشانه‌ها، دلیل شرعی ندارد و وقوع بر زمین کافی است؛ زیرا شاهد تاریخی بر وجود چنین نشانه‌هایی در عصر تشریح در دست نیست چنانکه در نصوص





روایی نیز بدان اشاره نشده است.

۴- پرسشهای حاجیان از ائمه علیهم السلام این است که اگر سنگ پس از پرتاب در محملی قرار گرفت یا به انسان و شتری اصابت کرد وظیفه چیست؟ با آنکه مَعْلَمٌ و نشانه‌ای بود که می‌بایست سنگ‌ها بدان اصابت کند، باید اولین سؤال این باشد که: اگر به نشانه‌ها اصابت نکرد وظیفه چیست؟

روایت‌هایی که در ذیل شاهد سوم نقل شد، گویای این مطلب است.

۵- در احادیث متعدد نقل شده که پیامبر و امامان سواره رمی می‌کردند و فقیهان از این گروه روایات، جواز رمی سوار را برداشت کرده‌اند، بدیهی است اگر نشانه‌ای بود که باید بدان اصابت کند، علی‌القاعده چنین امری به آسانی حاصل نمی‌گشت.

«محمد بن الحسن باسناده عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی انه رأى ابا جعفر الثاني عليه السلام رمی الجمار راكباً»<sup>۱۴</sup>

«محمد بن عیسی گوید: امام جواد عليه السلام را دید که سواره رمی جمار می‌کرد.»

«و عنه عن محمد بن الحسين عن بعض اصحابنا عن أحدهم عليه السلام فی رمی الجمار ان رسول الله رمی الجمار راكباً علی راحلته»<sup>۱۵</sup>

«از یکی از معصومین نقل شده که رسول خدا سواره رمی می‌کردند.»

«و عنه عن ابی جعفر عن عبدالرحمن بن ابی نجران انه رأى ابا الحسن عليه السلام رمی الجمار و هو راكب حتی رماها کلها»<sup>۱۶</sup>

«عبدالرحمن فرزند ابی نجران می‌گوید: امام رضا عليه السلام را دید که سواره، جمره‌ها را رمی کرد.»

۶- در روایات متعددی فاصله گرفتن از جمره عقبه مقدار ده تا پانزده ذراع توصیه شده و فقیهان حکم به استحباب آن کرده‌اند. طبیعی است که اگر اصابت به معلم شرط بود این کار به دشواری انجام می‌گرفت.

محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن معاوية بن عمار عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «...ولیکن فیما بینک و بین الجمره قدر عشرة اذرع أو خمسة عشر ذراعاً»<sup>۱۷</sup>

امام صادق عليه السلام فرمود: «فاصله میان تو و جمره به اندازه ده یا پانزده ذراع باشد.»

فقه الرضا: «و تقف فی وسط الوادي مستقبل القبلة و یکون بینک و بین الجمره عشر خطوات أو خمس عشرة خطوة».<sup>۱۸</sup>  
 «در وسط درّه می ایستی، در حالی که رو به قبله ایستاده‌ای و فاصله میان تو و جمره ده یا پانزده قدم می باشد.»

۷ - در فتاوی فقیهان توصیه شده که هفتاد ریگ از مشعرالحرام گردآوری شود. و این عدد به میزان سنگ‌هایی است که حاجی بدان نیازمند است؛ چرا که در روز دهم باید جمره عقبه را رمی کند و هفت سنگ لازم است و روز یازدهم و دوازدهم و نیز سیزدهم (برای کسانی که شب بیتوته کرده‌اند) هر یک بیست و یک عدد لازم است که جمعاً می‌شود هفتاد. این نشان می‌دهد که حاجی می‌تواند به آسانی رمی را انجام دهد وگرنه مناسب بود توصیه شود مقداری بیش از نیاز سنگ گردآوری کند.

به تعبیر دیگر، این توصیه با این فرض سازگاری دارد که به آسانی انجام تکلیف ممکن است اما آنچه شاهدش هستیم بسیاری از افراد نمی‌توانند با صد ریگ نیز رمی را به جا آورند، چه رسد به هفتاد ریگ.

محقق در شرایع می‌گوید:

«إذا ورد المشعر استحب له التقاط الحصى منه و هو سبعون حصاة».<sup>۱۹</sup>  
 «هنگامی که وارد مشعر شد مستحب است از آنجا سنگ‌ریزه جمع کند و تعداد آن هفتاد است.»

شهید اول در دروس نیز همین تعبیر را دارد.<sup>۲۰</sup>  
 فقیهان معاصر نیز چنین فتوا داده‌اند که:

«مستحب است سنگ‌ریزه‌هایی را که در منا رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آن هفتاد دانه است.»<sup>۲۱</sup>

۸ - در فتاوی فقیهان تا زمان شهید اول اشاره‌ای به معلّم و نشانه نیست؛ یعنی آنها سخن از رمی جمره آورده‌اند و قرائتی در کلام آنان است که با نظریه مختار سازگار است. بیشتر آنان پس از رمی، تعبیر «ثم وقعت علی الجمره» آورده‌اند که نشان‌دهنده افتادن



سنگ بر زمین و محل است نه اصابت به بنای عمودی.

برای نمونه می‌توان از این فقیهان نام برد: ابوالصلاح حلبی،<sup>۲۲</sup> ابن بزاج،<sup>۲۳</sup> ابن راوندی،<sup>۲۴</sup> ابن حمزه،<sup>۲۵</sup> ابن ادريس.<sup>۲۶</sup>

فقیهان دیگری نیز از اصل وارد مسأله نشده و سکوت اختیار کرده‌اند: مانند: محقق،<sup>۲۷</sup> ابن سعید حلبی،<sup>۲۸</sup> علامه،<sup>۲۹</sup> شیخ طوسی،<sup>۳۰</sup> سلار،<sup>۳۱</sup> سید مرتضی<sup>۳۲</sup> و شیخ صدوق.<sup>۳۳</sup> شهید اول در دروس نخستین فقهی است که به نشانه و مَعْلَم اشاره دارد و جمره را به بنا یا محل آن، معنا می‌کند و اصابت سنگریزه‌ها را به هر یک کافی می‌داند.

در دوره‌های بعد، برخی فقیهان اصابت به بنا و ستون را شرط کردند، مانند فاضل هندی در کشف‌اللاثام و صاحب مدارک، چنانکه پیشتر آوردیم و در این خصوص این شهرت می‌تواند قرینه و شاهدی بر این تلقی شود.

۹ - فقیهان اهل سنت در این باره یا سکوت اختیار کرده‌اند و یا اینکه قرینه‌ای در کلامشان دیده می‌شود که با نظریه مختار سازگار است. شافعی می‌گوید: رمی زمانی مجزی است که به مرمی اصابت کند وی هیچ توضیح دیگری نداده است.<sup>۳۴</sup> حنیفان فتوا داده‌اند که:

«فان رماها و نزلت علی رجل أو جمل فان وقعت بنفسها بقرب الجمره جان، أما ان وقعت فی مکان بعید عن الجمره فانها لاتجزئه و یرمی غیرها وجوباً».<sup>۳۵</sup>

«اگر ریگ را پرتاب کرد و بر مردی یا شتری فرود آمد و سپس خود به خود به نزدیکی جمره افتاد مجزی است. اما اگر در مکانی دور از جمره قرار گیرد، کفایت نمی‌کند و باید دوباره پرتاب کند.»

حنابله گفته‌اند:

«... ولو رمی حصاة و وقعت خارج المرمی ثم تدرجت حتی سقطت فیہ اجزأته و کذا ان رماها فوقعت علی ثوب انسان فسقطت فی المرمی و لو بدفع غیره اجزأته ایضاً».<sup>۳۶</sup>

«اگر ریگی پرتاب کرد و در خارج تیررس قرار گرفت و سپس غلتید و بر تیررس واقع شد کفایت می‌کند، همچنین اگر ریگ را پرتاب کرد و بر لباس انسانی واقع شد

و در تیررس قرار گرفت، گرچه با فشار خارجی باشد، مجزی خواهد بود.»

مالکیان در این زمینه نظری ابراز نکرده‌اند.

خلاصه سخن اینکه، در نصوص شرعی و فتاوای فقیهان گذشته و متقدم، شاهد و دلیلی نمی‌یابیم که اصابت ریگ به نشانه، آن‌گونه که امروزه برداشت می‌شود، الزامی باشد بلکه شواهد و قرائنی گویای آن است که می‌شود امتثال این تکلیف آسان‌تر از آنچه مرسوم است صورت گیرد.

### • پی‌نوشتها:

- ۱- المعتمد فی شرح مناسک الحج، ج ۵، ص ۱۸۹
- ۲- جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۰۵؛ المعتمد فی شرح مناسک الحج، ج ۵، ص ۱۸۹
- ۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۱، باب ۶ من ابواب رمی جمرة العقبة، ح ۱؛ جامع الأحادیث، ج ۱۲، ص ۲۶
- ۴- الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۴۲۸
- ۵- کشف اللثام، ج ۶، ص ۱۱۴
- ۶- مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۸ و ۹
- ۷- جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۰۷
- ۸- تاج العروس، ج ۱۹، ص ۴۷۵؛ القاموس، ج ۴، ص ۳۳۸
- ۹- الکافی، ج ۴، ص ۴۷۵، ب ۱۷۵، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۱، ح ۱
- ۱۰- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۷۱، ب ۶، ح ۱
- ۱۱- همان.
- ۱۲- الکافی، ج ۴، ص ۴۷۴، ب ۴۷۴، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۱، ح ۲ و ص ۲۶۹، ح ۳؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶
- ۱۳- مصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۳۳
- ۱۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۲، ب ۸، ح ۱
- ۱۵- همان، ح ۲
- ۱۶- همان، ح ۳



- ۱۷- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۸، ب ۳، ح ۱  
 ۱۸- مستدرالوسائل، ج ۱، ص ۶۹، ب ۳، ح ۱  
 ۱۹- شرایع الاسلام، ج ۱  
 ۲۰- الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۴۲۸  
 ۲۱- مناسک حج، ص ۳۶۲، فتاوی امام و حواشی مراجع.  
 ۲۲- ینابیع الفقهیه، ج ۷، ص ۲۰۸  
 ۲۳- همان، ص ۲۶۴  
 ۲۴- همان، ۳۳۸  
 ۲۵- همان، ج ۸، ص ۴۴۲  
 ۲۶- همان، ص ۵۱۱، ۵۱۲  
 ۲۷- همان، ج ۸، ص ۳۵  
 ۲۸- همان، ص ۷۱۵  
 ۲۹- همان، ص ۷۵۶  
 ۳۰- همان، ج ۷، ص ۱۹۹  
 ۳۱- همان، ص ۲۴۳  
 ۳۲- همان، ص ۱۰۷ و ۱۲۸  
 ۳۳- همان، ص ۳۶ و ۵۵ و ۵۸  
 ۳۴- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۷۶۷  
 ۳۵- همان، ص ۶۷۷  
 ۳۶- همان، ص ۶۷۸